

بحران سیمان-تولید، اشتغال و انباشت سرمایه

دکتر علي شمس اردکاني

صورت مساله: همه جا صحبت از کمبود سیمان و بحران در ساختمان سازی و پروژه های عمرانی است. وزارت بازرگانی خوش خیال است که سیمان را ارزان نگه می دارد. وزارت بازرگانی برای مساله خود آفریده مجوز واردات سیمان می دهد. فقیرترین اقشار جامعه برای يك تعمیر كوچك سه برابر بهای رسمی برای هر کیسه سیمان می پردازند. جامعه سیمان سازان به صراحت می گویند کشور به جای واردات سیمان توان بالایی در تولید نیازمندی کشور و گرفتن بازارهای صادراتی دارد. اگر سخن این اهل فن درست است که حتما جاهل باید از نظر عالم تبعیت کند. پس این بحران خود آفریده برای چیست؟ چه کسانی از این بازار سیاه سود می برند که نظر حاکمیت را می گردانند؟ آیا خانه ملت در این کار درمانده است؟ آیا دولت تسلیم رانت خواران شده است؟ این قلم بر آن شد که در مشاهده این بحران تحلیل اقتصادی زیر را ارائه دهد.

تولید سیمان در ایران از مزیت های زیر برخوردار است:

- 1- ایران در این صنعت نسبت به همه کشورهای دنیا مزیت های مطلق و نسبی بارز دارد.
- 2- مواد اولیه سیمان یعنی انرژي، سنگ آهك و خاك رس به آسانی و فراوانی در سراسر کشور پراکنده است.
- 3- در اغلب موارد، ذخایر آهك و خاك رس به منابع گاز نزدیک است.
- 4- تولید سیمان با مصرف گاز، نسبت به مصرف بقیه سوخت ها، کمترین میزان گاز کرینك را تولید می کند.
- 5- منابع عظیم آهك در نزدیکی خلیج فارس و دریای عمان برای تولید کلینكر و سیمان برای صادرات وجود دارد؛ چندان که در صورت برنامه ریزی صحیح، ایران با استفاده از این مزیت ها، باید سهم عمده ای از صادرات کلینكر و سیمان را به خود اختصاص دهد و از پرتو آن سهم عمده ای از ساختن کارخانه سیمان در کشورهای دیگر را نیز قبضه کند (صدور خدمات مهندسی).
- 6- گزینه تولید برای صادرات امکان جذب فراوان سرمایه در معدن، انرژي، سیمان و صنعت و ایجاد اشتغال صنعتی فراوان دارد.
- 7- تولید سیمان از معدن گرفته تا حمل و نقل از نرخ کار آفرینی بالایی نسبت به واحد ارزش افزوده در تولید ملی برخوردار است.
- 8- امکانات طراحی و ساخت کارخانجات سیمان در داخل کشور از نسبت بالایی نسبت به سایر صنایع سنگین برخوردار است.
- 9- مواد اولیه مورد نیاز ساخت کارخانه های سیمان به ویژه فولادهای مخصوص و آلیاژی در کشور تولید می شود.
- 10- ایجاد صنایع سیمان یکی از بزرگترین چرخه های خوشه های صنعتی را در صنایع معدنی، ماشین سازی، ساختمانی و حمل و نقل کشور به وجود می آورد.
- 11- صنایع سیمان می تواند مرکز عمده انباشت سرمایه های خرد بخش خصوصی در این تولید مهم باشد که این نوع انباشت سرمایه خود موجب:
- الف- افزایش نقش بخش خصوصی واقعی در سرمایه گذاری می شود.
- ب- موجب جذب سرمایه خارجی می شود.
- د- اجرای اصل «44» قانون اساسی و برنامه چشم انداز 20 ساله را تسریع می کند.

12- پارک های صنایع انرژی بر را می توان با ایجاد کارخانجات تولید کلینكر و سیمان آغاز و آن را قطب جذب سرمایه برای بقیه صنایع کرد و با ایجاد نقدینگی در گردش از محل تولید سیمان، صنایع انرژی بر دیگر مثل صنایع فولاد، آلومینیوم و شیشه را حسب موقعیت جغرافیایی، دستیابی به منابع اولیه، بندر و صادرات پارک های صنایع انرژی بر توسعه داد.

متأسفانه همه این مزیت ها در بلیشوی اقتصادی تخیلی به نام توزیع عادلانه سیمان ضایع شده و می شود. این تضییع چنان است که همه به ناکارآمدی آن اذعان دارند. این تضییع موجب بزرگترین فرصت سوزی در احداث صنایع سیمان شده و کشوری که بزرگترین مزیت در تولید سیمان دارد را به واردکننده سیمان تبدیل کرده است. این تضییع نعمت حتماً طبق آیه مبارکه قرآن که می فرماید: «كفران موجب عذاب بزرگ است»، عمران و سرمایه کشور را دچار بحران کرده است.

شیوه جاری فعلی نمونه بارز «به نام حسین و به کام یزید» است. چون مصرف کنندگان خرد که بیش از همه در این حمایت قیمت به نام آن ها شعار داده شده و می شود، کمترین امکان تامین سیمان را برای کارهای جزئی یا ساختن يك سربانه به قیمت رسمی دارند.

در اغلب روستاهای کشور، کیسه های سیمان تا هفت هزار تومان معامله می شود، یعنی تنی یکصد و 40 هزار تومان. به علت گرانی و عدم وجود فیزیکی سیمان، روستایی ها نمی توانند خانه مناسب روز بسازند در نتیجه به شهرهای مجاور مهاجرت می کنند. پس یکی از آثار خوش خیالی تثبیت قیمت سیمان، خرابی روستاهای کشور است! این جانب از تهران نشین های وزارتخانه های بازرگانی و صنایع تقاضا دارم بی نشان به روستاهای اطراف تهران بروند و طالب خرید پنج کیسه سیمان شوند. کاری که این نویسنده در روزهای اخیر در «فشافویه» و «سولفون» انجام داد و به قیمت کیسه ای هفت هزار تومان رسید. آیا این خود بزرگترین بی عدالتی اجتماعی نیست که از کام فقرا بستانیم و به دلالت، مهرورزی چندین صد میلیارد تومانی بکنیم؟ آیا این بی عدالتی نیست که تولیدکننده سیمان را به خاطر عدم امکان مالی به زندان بفرستیم و دلال ها در دویی برج سازی کنند؟ آن کس هم که دستش به يك حواله می رسد در حقیقت به خیل رانت خواران می پیوندد. از سوي دیگر، حتی برای پروژه های دولتی عملاً تامین سیمان با چنان تنگناهایی روبه رو شده

است که ضرر و زیان ناشی از تاخیر در تامین سیمان، بیش از مابه‌التفاوت قیمت بازار با قیمت حمایتی سیمان است. کافی است به متوسط يك ساله تاخیر پروژه‌ها، ناشی از کمبود سیمان یا ناشی از عدم تحویل به موقع سیمان و فرصت‌سوزی ناشی از آن، دقت کنیم و عدم‌النفع پایان یافتن به موقع پروژه‌ها را با عاقل ماندن بقیه هزینه‌های انجام شده مقایسه کنیم. اعداد، خود گویای هزار مطلب است. در این مقایسه باید توجه داشت که ارزش بازاری پول متأسفانه برای بنگاه‌های ایرانی حداقل سالانه 24 درصد است و نارضایتی مجریان پروژه‌ها با در نظر گرفتن سرمایه‌های ناکارآمد و خوابیده در پروژه‌های ناتمام بسیار رساست .

جالب این‌که چون حواله‌های سیمان پروژه‌ها، در این اقتصاد تخیلی، به موقع به آن‌ها نمی‌رسد، مجریان مجبورند سیمان را به قیمت بازار سیاه بخرد و کار را با هزینه بالاتر پیش ببرند و بعد که سیمان آن‌ها تحویل می‌شود آن را در بازار سیاه با هزار هول بفروشند. آیا مسوول این انگیزه‌های فسادآمیز همان حسن نیت عدالت تخیلی در سیمان نبوده و نیست؟ آیا این حسن نیت ما را به جهنم بحران رهنمون نشده است؟!

بر اساس ارزیابی اولیه اینجانب، حدود 60 درصد سیمان‌های حواله‌ای در مسیرهای «بازار آزاد» (بخوانید بازار سیاه) می‌افتند. در هر تن این مسیر حدود 40 هزار تومان نصیب کسانی می‌شود که هیچ نقشی در تولید سیمان ندارند و هیچ دغدغه‌ای از اقتصاد ملی، تورم یا عدالت اجتماعی هم ندارند. مجموع پولی که از این مسیر نصیب دلالان بی‌چهره ولی بسیار بانفوذ می‌شود، سالانه به 960 میلیارد تومان یعنی يك میلیارد دلار می‌رسد. این تضييع منابع، خود تغذیه‌کننده هزاران فساد اقتصادی دیگر است که سالم‌ترین آن خروج ارز از کشور است. ولی دامنه وسیع‌تر آن، تغذیه مالی کسب‌های نامشروع زودبازده دیگر از قبیل واردات کالای قاچاق و تحمیل بیکاری مضاعف بر کارگاه‌های ایرانی است .

بعنوان مثال هر دوجین پیراهن وارداتی که نقدینگی آن بعضاً از درآمدهای دلالي سیمان تامین می‌شود، يك کارگاه پیراهن‌دوزی را بیکار می‌کند و چندین پیراهن‌دوزی تعطیل و چرخه‌ای از بیکاری در صنایع نساجی به خلق خوشه‌های ادبار در اشتغال و در کل اقتصاد ملی می‌انجامد .

960 میلیارد تومان یادشده که سالانه نصیب دلالان صاحب‌نفوذ می‌شود معادل نیاز آورده ریالی ده کارخانه دو میلیون تنی سیمان است. با این 10 کارخانه، نیازهای کشور به طور کامل طی پنج سال آینده تامین می‌شود و از آن پس همه ظرفیت‌های جدید مایه توان صادراتی کشور می‌شود. هر سال 10 کارخانه جدید سیمان مستقیماً 15 هزار شغل صنعتی در دوره ساخت و 12 هزار شغل در دوره بهره‌برداری ایجاد می‌کند. ولی اکنون این مابه‌التفاوت به کدام جیب می‌رود؟! والله اعلم .

راهکار- با ایجاد بورس کالا بسیاری از مشکلات عظیم‌تر از سیمان مانند صنایع فولاد و آلومینیوم حل شد و بهایی که به جیب دلالان فولاد و آلومینیوم می‌رفت به تولیدکنندگان بازگشت. بنابراین ضروری است با استفاده از سازوکار بورس کالا سریعاً يك هیات مامور ایجاد بورس سیمان شوند و شروع این کار را به ملاحظه، مطالعه و اختراع مجدد چرخ هم نیندازیم، چون به محض اعلام فروش سیمان و قبول کارگزاران می‌توان سریعاً بورس سیمان را اجرایی کرد. مسلماً خریداران عمده و مجریان پروژه‌ها با مراجعه به کارگزاران می‌توانند سیمان موردنیاز خود را با قیمت رقابتی تهیه کنند و مابه‌التفاوت قیمت بورس کالا و قیمت فعلی توزیعی (قیمت رسمی اقتصاد تخیلی) از کانال کارگزاران و بورس به تولیدکنندگان سیمان بازمی‌گردد. مسلماً راه‌اندازی بورس کالایی سیمان، قیمت تعادلی سیمان را در بازار واقعی و نه بازار سیاه فصلی، بسیار کمتر از این قیمت سیاهکاری قرار خواهد داد. ولی از آنجا که انتظار افزایش سود سهام سیمان‌ها برآورده خواهد شد مردمان به خرید سهام سیمان‌ها راغب می‌شوند و اثر آن همچون ظروف مرتبطه بلافاصله در تشکلهای جدید سرمایه برای احداث کارخانجات سیمان بروز خواهد کرد. این رویکرد بیش از هرچیز موجب برون‌رفت طرح‌های فعلی سیمان که گرفتار کمبود نقدینگی شده‌اند، می‌شود و بلای سیمان از حالت کفران نعمت خارج شده و تبدیل به دوره جدیدی از رونق در بازار بورس، ساختمان‌سازی، اشتغال‌آفرینی و میل مردمان توانا به کارآفرینی در صنعت سیمان به طور خاص و در معادن و صنایع سنگین به طور عام خواهد شد .

می‌توان به آسانی افقی را دید که حتی پیش از اجرایی شدن بورس و به محض اعلام سازوکار آن، فعالان بخش‌های صنعت و ساختمان و سرمایه تصمیم‌گیری‌های خود را تنظیم کنند و به‌جای فرار سرمایه از صنعت سیمان و از بازار سرمایه، آب رفته به‌جوی باز آید و قیمت سیمان پیش از شروع کار بورس در بازار کاهش یابد. همزمان وظیفه وزارت صنایع و معادن و دیگر سازمان‌های دولتی که اصرار ورزند به‌جای وضع فعلی گرفتار کردن سرمایه‌گذاران بالقوه برای شروع کارخانه‌های جدید سیمان، با ایجاد پنجره واحد تمامی امور اداری از صدور مجوزها برای کارخانجات سیمان از جمله تخصیص زمین، آب، برق و گاز را در وزارت صنایع متمرکز کنند، خاتمه سرگردانی سرمایه‌گذاران یعنی از قوه به فعل درآوردن مزیت‌های نسبی، باز و مطلق کشور در تولید سیمان و به ویژه تولید کلینکر و سیمان برای صادرات باشد که به جای واردات کلینکر و سیمان آن را صادر کنیم؛ یعنی خاک بپزیم و بفروشیم. یعنی به‌جای فکر صادرات گاز به صورت LNG ، همین گاز را در خاک تزریق کنیم و سیمان بسازیم و هموطن را با آن آباد کنیم و هم با صادرات آن در برابرش سیم و زر و ارز بگیریم و به «کیمیای خاک‌دهی سیم‌ستانی بها» برسیم. به امید آن روز.